

طبيب قاتل....!



گویند "سالی که نیکوست از بهار اش پیداست"

تحلیف مسعود بزشکیان رئیس جمهور ایران با هدف قرار دادن اسماعیل هنیه در پایتخت آن کشور چي پیامد هایی دارد. اسماعیل هنیه که از جمله چهره های سرشناس و مطرح گروه حماس بود و برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید کشور ایران دعوت گردیده بود طی عملیاتی کشته می شود، آن هم درست در پایتخت کشوری که از قبل تحت تدابیر شدید امنیتی قرار داشت. فرضیه ها و دست های پنهان احتمالی که در پشت پرده این رویداد قرار دارد را می توان چنین به بررسی و تحلیل گرفت.



اگر به سانحه هلیکوپتر عامل رئیس جمهور قبلی ایران ابراهیم رئیسی که در ماه های قبل سقوط و منجر به مرگ وی و همراهانش گردید توجه کرد، دیده میشود که این رویداد بدون تحقیقات جدی و همه جانبه بمنظور دریافت سرنخی فوراً پوشانیده شد. حکومت و رهبری حاکم روحانی ایران مصمم به دایر نمودن انتخابات برای احراز کرسی ریاست جمهوری بمنظور دفع خلایق قدرت میشود. هرچند تعداد از سیاسیون و چهره های مطرح و مخالف سیاست نظام حاکم در این روند اشتراک و ثبت نام

نمودند که اسامی یک تعداد آنها از سوی شورای نگهبان یا در حقیقت روحانیون مذهبی که حاکمیت نظام بدست ایشان است، از روند رقابت و کاندیداتوری حذف میشوند منجمله محمود احمدی نژاد رئیس جمهور اسبق ایران و علی لاریجانی .

کاندیدای که از سوی شورای نگهبان تأیید و حق اشتراک دراین روند را کسب می نماید مسعود پزشکیان، مصطفی پورمحمدی، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی زاده هاشمی و محمدباقر قالیباف می باشند.

هرچند روند انتخابات در کشور ایران برمبنای زنجیره های دیموکراسی، آزادی بیان و احزاب شکل نگرفته است بلکه باتمثیل از آن میخواهندکاندیدای مورد نظر خویش را به اریکه قدرت برسانند. انتخاب رهبر روحانی ایران آیت الله خامنه ای، آقای قالیباف و جلیلی بودند که هر دو نتوانستند اعتماد مردم و رای اکثریت را بیاورند اما برعکس توقع و پیش بینی ها که مسعود پزشکیان از چهره های ضعیف و فاقد حزبی با تفکر اعتدال و روشنگری دراین روند طوری مهندسی و جا داده شده بود تا برای جهانیان و منتقدین ایران خاصتاً غرب بفهمانند گویا حکومت ایران نیز بر اصل دیموکراسی و حقوق شهروندی احترام گذاشته و به آن پابند است .

اما بازی تقدیر با رهبری حاکم یاری نکرده و خلاف توقع و میل ایشان مسعود پزشکیان با کسب آراء اکثریت برنده اعلان می گردد که قطعاً برای روحانیون مذهبی و حاکم ایران قابل قبول نبوده و چنین میتوان گفت که تیر از کمان رها شده را نمی توان توقف داد.

چون مسعود پزشکیان از اقلیت های با طرز تفکر آزادی، عدالت و تعامل با غرب است، همچو زنگ خطر برای آنها محسوب میگردد ازاین رو باید دست بکار شوند .

بعید نیست طرح ترور اسماعیل هنیه با همکاری و دست های پنهان تیم حاکم روحانی ایران هماهنگی شده باشد تا با یک تیر دو هدف را همزمان نشانه گیرند .

نخست ایجاد درد سر برای پزشکیان و منحرف ساختن وی از آنچه که در شعارهای انتخاباتی اش سر میداد و برای ملت ایران وعده داده بود. تا بدین وسیله کنترل را بدست داشته باشند و آنچه را باید پیروی کرد که برایش هدایت داده می شود. دوم بعید بنظر نمی رسد که روحانیون مذهبی در پشت پرده با کشور اسرائیل تعامل داشته باشد که حدس و گمان اش برای فعلاً بسیار مشکل و دشوار خواهد بود تا در مورد بحث شود .

فرضیه دوم اگر چنین پنداشته شود که ترور اسماعیل هنیه توسط موساد طرح ریزی که به موفقیت هم انجامید صورت پذیرفته باشد، ولی هرچند موساد و هیچ گروهی تاهنوز مسؤولیت آن را بدوش نگرفته است، چنین حدس و گمانه زنی های را ایجاد میکند. نخست اینکه اگر موساد میخواست پس چرا وی را در قطر و یا سوریه که بمراتب تدابیر امنیتی ضعیف تر نسبت به کشور ایران داشت ترور ننمود؟

برداشت سوم می تواند این باشد که اگر اسرائیل در عقب آن دست داشته باشد نتنها نقض سریع از قوانین بین المللی و حریم خصوصی را مرتکب شده است بلکه با هم پیمانان اش برای ایران واضح و مستقیم کوش زد نموده است که حتی میتوانند در مرکز و پایتخت آن که تحت تدابیر شدید امنیتی قرار دارد خطراتی که به منافع ایشان متصور است مورد هدف قرار دهد .

حال دیده شود که قضیه مرگ اسماعیل هنیه همچو قضیه مرگ ابراهیم رئیسی رئیس جمهور اسبق ایران با تشیع جنازه اش از سوی حکومت ایران بسته خواهد شد و یا مانند واکنش که در مقابل حمله هوایی اسرائیل که بر قونسلگری ایران در سوریه انجامید، خواهد بود.

###

